### جلسه 20

چهار‌‌شنبه - 04/12/۹۵

أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه فی الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.

بحث راجع به این بود که لعب به آلات قمار بدون رهان عرض کردیم ظاهر ادله این است که حرام هست. و در مورد شطرنج اختلاف هست که آیا حتی بعد از خروج از آلیت قمار حرمتش باقی می ماند یا از بین می رود؟

مرحوم آقای خوئی فرمود حرمت شطرنج دائر مدار صدق آلیت قمار نیست. نص خاص نهی کرده است از لعب به شطرنج. و قبلا هم خواندیم روایاتی که نهی غلیظ و شدید کرده بود نسبت به آن که در جامع بزنطی نقل شد که به نظر ما معتبر هست. و لو مرحوم آقای خوئی معتبر نمی دانند اما ایشان به روایات دیگر که نهی از شطرنج و نرد در آن شده تمسک می کنند.

در مقابل امام قدس سره، آقای سیستانی، مرحوم استاد فرمودند عرفا از نهی از لعب به شطرنج اطلاق استفاده نمی شود. چون در آن زمان آلت قمار بوده. وقتی نهی می کنند از لعب به شطرنج در ذهن می آید که مثالی است برای آلة القمار. و اگر یک روزی از آلیت قمار خارج شد، دیگه اطلاق ندارد این نهی.

برخی در تایید فرمایش آقای خوئی گفته اند که اصلا در زمان ائمه هم شطرنج آلت قمار نبوده؛ بازی امراء و سلاطین بوده. و اینها بردوباخت مالی نمی کردند در بازی شطرنج. بعد گفته اند که ما اگر نبود این دلیل های خاص می گفتیم شطرنج اصلا حتی بردوباخت مالی هم با آن بشود، قمار بر آن صادق نیست. شطرنج یک مسابقه علمی است. مثل اینکه دو نفر در خطاطی با هم مسابقه بگذارند، هر کس خط بهتری نوشت از دیگری یک ملیون تومان دریافت کند. تلاش می کنند هنر خطاطی شان را بروز می دهند، اینکه قماربازی نیست. فوتبال یک کار فنی است. قمار یا شانس یا نصیب است. همینجوری بازی می کنند شانس کدام طرف بچربد او برنده می شود. اما شطرنج یک کار فنی است، شانس در او نقش اصلی را بازی نمی کند، باید هنرمندانه بیاید شطرنج‌باز و بازی بکند، این اصلا قمار نیست. مثل فوتبال‌بازی است، مثل این مثال که ما عرض کردیم مسابقه در رابطه با خوش‌نویسی است. ولی روایت گفته که بازی با شطرنج حرام است و ما ملتزم می شویم.

البته این مطلب که در کتاب استدلالی ذکر کردند غیر از آنچه هست که در استفتائات ذکر کرده اند که موافق با نظر امام مطرح کردند.

به نظر ما این مطلب درست نیست. برخی از تلامذه امام اینجور گفته اند به نظر ما این درست نیست. چرا؟ برای اینکه از کجا شما می گویید که شطرنج در زمان ائمه آلات قمار نبوده. اتفاقا متفاهم عرفی این است که این ابزار قماربازی بوده. حالا شما باید ثابت کنی که نهی به عنوان شطرنج تعلق گرفته است و مثال آلة القمار نبوده است. ما می گوییم احتمال اینکه نهی از شطرنج بما هو آلة القمار بوده کافی است که نتوانیم تمسک به اطلاق بکنیم.

اینکه سلاطین بازی می کردند با شطرنج و هدف شان بردوباخت مالی نبود، نخیر اینطور نیست. اولا اختصاص به سلاطین ندارد این بازی. وانگهی چرا سلاطین دنبال بازی بردوباخت مالی نبودند؟ لذت می بردند، پول برای شان مهم نبود اما برای شان لذت‌بخش بود که طرف مقابل را به شکست وادار بکنند و او مبلغ زیادی را پرداخت بکند.

پس این مطلب به نظر ما قابل قبول نیست. و متفاهم عرفی از بازی شطرنج این بود که یک نوع قمار است و در روایات در عداد قماربازی ذکر شده. النرد و الشطرنج و الاربعة‌عشر بمنزلة واحدة و کل شیء قومر علیه فهو میسر. در عداد قمار ذکر شده. این درست نیست ما بگوییم نخیر اصلا عرفا شطرنج‌بازی قمار نیست، یک نوع مسابقه هنری است. معتبره معمر بن خلاد شطرنج، اربعة‌عشر، اربعة‌عشر که یقینا قمار است، نرد که یقینا قمار است، کل شیء قومر علیه فهو میسر، بحث قمار است، اینها را کنار هم گذاشت، این عرفی نیست بگوییم شطرنج قمار نیست. شطرنج قمار بود یا جزما یا به احتمال قوی عرفی و ما احتمال می دهیم وقتی در آن روایات نهی می کرد از شطرنج عرف از آن نهی از یک مصداق از مصادیق آلات قمار می فهمیده.

و لذا ما بعید نمی دانیم این فرمایش مرحوم استاد را و آقای سیستانی را وفاقا للسید الامام که اگر شطرنج عرفا دیگر آلت قمار نباشد که عرض کردیم سابقه آلت قمار بودن شطرنج باعث می شود به این زودی احراز نکنیم خروج شطرنج را از آلیت قمار، ولی اگر یک روزی احراز کردیم خروج شطرنج را از آلیت قمار ما بعید نمی دانیم که دیگه نشود تمسک کرد به اطلاقات نهی از شطرنج. با همان لسان غلاظ و شدادش. مگر لسان غلاظ و شداد باعث می شود از موضوع آن رفع ید کنیم. خب شاید موضوع آن شطرنج است بما هو آلة القمار.

بله، ما یک اشکالی به امام و آقای سیستانی داریم؛ نه به مرحوم استاد و خودمان. به امام و آقای سیستانی که استصحاب در شبهات حکمیه را قبول دارند. می گوییم آقا! زمان ائمه شطرنج یقینا حرام بود، اگر نهی تعلق گرفته به ذات شطرنج الان نهی باقی است، اگر نهی تعلق گرفته بود به عنوان آلة القمار نهی الان مرتفع است، یقین به حدوث نهی از شطرنج داریم و شک در بقاء آن، شما که قائل به استصحاب در شبهات حکمیه هستید چرا استصحاب نکردید؟ آیا استظهار می کنید که نهی از شطرنج اساسا یعنی نهی از شطرنج بما هو آلة القمار؟ یعنی ظاهر دلیل ارتفاع حرمت است عند زوال آلیة القمار عن الشطرنج؟ اینکه خیلی سخت است، انسان استظهار کند که اگر شطرنج آلة القمار دیگه نبود، ظاهر دلیل این است که دیگه حرمتش زائل می شود. فوقش شما بفرمایید بیش از این ظهور ندارد نهی از شطرنج که زمانی که آلة القمار است حرام است. بعد از زوال عنوان آلة القمار شک می کنیم در بقاء حرمت نه اینکه حجت داشته باشیم بر زوال حرمت از آن. و لذا استصحاب در شبهات حکمیه را که کسی قبول می کند می گوید شطرنج یک موقعی معروض حرمت بود، موضوع در استصحاب به نظر عرفی باید باقی باشد، موضوع جعل مهم نیست، الماء المتغیر نجس، ماء بعد از زوال تغیرش ه چه جور استصحاب می شود حرمتش با اینکه عنوان الماء المتغیر نجس شامل مائی که زال تغیره نمی شود؟ چون می گویند معروض حکم مهم است به نظر عرف، معروض نجاست ذات ماء است و لو موضوع جعل الماء المتغیر باشد. در اینجا هم و لو موضوع جعل این باشد که یحرم اللعب بآلات القمار ولی به نظر عرف معروض حرمت ذات شطرنج بوده. شطرنج‌بازی در آن زمان عرف می گوید حرام بوده، خب احتمال می دهیم نهی به شطرنج بما هو هو تعلق گرفته است لا مادام آلة القمار، خب استصحاب می کنیم بقاء حرمت را.

بله، کسانی که مثل مرحوم استاد یا ما استصحاب در شبهات حکمیه را جاری نمی دانند، می توانند رجوع کنند به اصل برائت.

ان قلت که آقا! آن شطرنج های قدیم خب بله، استصحاب می گوید لعب به آنها حرام است، چون آن شطرنج های قدیم که در موزه هست که از زمان فرض کنید خلفاء‌ بنی العباس مانده، فرض کنید بازی با این شطرنج یک زمانی حرام بود اما این شطرنج های جدید، شطرنج های کامپیوتری، اینها شطرنج های جدید است، استصحاب راجع به حرمت اینها چه جور می خواهید جاری کنید؟ خب استصحاب نسبت به آن شطرنج های که قدیم آلت قمار بوده بعد زال عنه عنوان آلیة قمار خب استصحاب بکنید بقاء حرمت لعب به آنها را، اما لعب به این آلات جدیده شطرنج که از اول ساختش مشکوک است که آلت قمار هست یا نیست، خب این کی حالت سابقه یقینیه دارد؟

در جواب می گوییم عرف طبیعت شطرنج را موضوع حرمت می بیند.

س: الان هم همین است. ... الان هم شاه دارد دیگه. نکند بجای شطرنج عوض کردند، کردند مثلا نخست‌وزیر؟ ... نه. اینکه اطلاق دارد دیگه. هر چیزی که ما یصدق علیه الشطرنج. طبیعی شطرنج حرام بود استصحاب می کنیم طبیعی شطرنج امروز حرام است و این هم مصداق طبیعی شطرنج است. و الا نقض می شود به امام و آقای سیستانی که استصحاب می کنند در موارد شک در خروج از آلیت قمار را که استصحاب می کنیم بقاء آلیة القمار را، خب آن هم همین اشکال پیش می آید دیگه که آنی که آلة القمار بوده، آن شطرنج های قدیمه، این شطرنج های جدید از اول حدوث مشکوک است که آلة القمار است، پس چرا استصحاب کرد امام آلیة القمار را و فرمود باید برای جواز لعب به شطرنج احراز کنیم از آلیت قمار خارج شده و الا استصحاب آلیت قمار جاری می شود. این معلوم می شود که طبیعی شطرنج را موضوع می گیرد و استصحاب می کند طبیعی الشطرنج هنوز آلت قمار است. ما می گوییم چرا استصحاب نکردید طبیعی الشطرنج هنوز هم حرام است. بله، این اشکال به ما وارد نیست.

راجع به فرمایش آقای سیستانی هم که راجع به شطرنج و همینطور نرد، چون منصوص است گفتند باید در کل دنیا از آلیت قمار خارج بشود اما در بقیه آلات قمار که منصوص نیستند نخیر، هر بلدی حکم خودش را دارد. بیلیارد باید ببینیم در عرف ما، البته عرف حوزه را نمی گوید که، عرف آن هایی که اینجور بازی می کنند، عرف شأنی، یعنی آن هایی که اینجور بازی می کنند آیا متعارف این است که بردوباخت مالی می کنند یا نه؟ می گوییم ما الفرق بینهما؟ اصلا چرا در آلات القمار عرف بلد را شما معتبر می دانید؟ آلة القمار یک معنای عام دارد. در متعارف بلدان اگر آلة القمار است، حالا در شهر قم فرض کنید مراجع به مردم گفتند مردم! بالاغیرتا بیلیارد که بازی می کنید، ما که هر چی گفتیم بازی نکنید گوش ندادید، لااقل بالاغیرتا بردوباخت مالی نکنید، مردم هم گفتند خب این شد یک حرفی، در قم عرف دیگه بیلیارد را بردوباخت مالی نمی کند، این عرفا دیگه آلة القمار نیست؟ کل دنیا متعارف این است که آلة القمار است، خصوص شهر ما این معیار آلیت قمار نیست.

س: در مکیل و موزون هم ما اشکال داریم. اگر در متعارف بلدان مکیل است، حالا در شهر شما مکیل نیست، اطلاق دارد. انما الربا فیما یکال او یوزن. چه فرق می کند با لایسجد علی ما یلبس او یؤکل؟ حتما باید در شهر ما این ملبوس باشد یا مأکول باشد؟ ... بله، مأکول است. همانی که چینی ها می خورند مأکول است. ماهی های بی فلس می خورند، حشرات می خورند، خب اینها مأکول است دیگه. مأکول حرام است منتها.

ما معتقدیم معیار متعارف بلدان است در همه جا. متعارف بلدان در عالم. اگر بخواهی شبهه مفهومیه درست کنید به قول مرحوم شیخ انصاری آب هم شبهه مفهومیه دارد با اینکه از اوضح مفاهیم است. ولی بالاخره ما معتقدیم معیار عرف بلد تنها نیست. و اگر معیار عرف بلد است، خب شما که شطرنج و نرد را مثال می گیرید برای آلة القمار چه فرق می کند؟ اینجا هم بگویید معیار عرف بلد است. چه فرق می کند با بقیه آلات قمار. اگر خصوصیت دارد نرد و شطرنج، پس مثل آقای خوئی بشوید، بگویید حتی اگر در جمیع بلدان هم از آلیت قمار خارج شده باشد ولی چون قدیم آلت قمار بوده هنوز هم حرام است. ما این تبعیض را نمی فهمیم که اگر در کل دنیا احراز کنیم از آلیت قمار خارج شده، گذشته سیاه شطرنج مهم نیست، جایز می شود ولی این گذشته سیاهش اثرش این است که در بقیه آلات قمار عرف بلد معیار است ولی در نرد و شطرنج باید در کل دنیا از آلیت قمار خارج بشود، آخه این تبعیض برای چیه؟ اگر موضوعیت دارد، پس گذشته سیاه نرد و شطرنج باعث می شود حرام بشود الی الابد. اگر مثالیت دارد برای آلات قمار، حکم آلات قمار را بار کنید: اگر صدق آلات قمار تابع عرف بلد است، اینجا هم تابع عرف بلد باشد.

و به نظر ما هیچ کجا تابع عرف بلد نیست. و شطرنج اگر احراز نشود که از آلیت قمار در متعارف بلدان خارج شده که عرض کردم گذشته سیاه شطرنج تاثیر دارد در عدم احراز خروج این شطرنج از آلیت قمار. و لذا تا شک داریم استصحاب بقاء آلیت قمار می کنیم. و آن وقت بازی شطرنج کامپیوتریش هم حرام است. اگر طرف بازیت هم خود کامپیوتر است، برنامه کامپیوتر است، داری با برنامه کامپیوتر بازی شطرنج می کنی او هم اشکال دارد. ما نمی گوییم حالا حتما به نحو فتوی کسی بگوید حرام است، بالاخره این هم لعب به شطرنج است دیگه. حالا البته شبهه انصراف که طرف مقابلت هم انسان باشد، لعب به شطرنج شبهه انصراف دارد ولی همانطور که آقای سیستانی هم احتیاط کردند جای احتیاط دارد که اطلاق لعب به شطرنج اینجا را هم شامل بشود.

س: این مردم از دنیا خبر دارند یا ندارند؟ ... از دنیا خبر دارند پس هنوز از آلیت قمار خارج نشده دیگه. ... اگر اینجور باشد پس برای مردم تهران هم قنویت مأکول نیست؛ سجده کنند. می گویند ما چه کار داریم به قمی ها که پشت سر هم آبگوشت قنویت و آش قنویت و اینها می پزند. ... ما از باب تقریب به ذهن عرض کردیم. به قول شما قنویت را هم آنها مأکول می دانند. ولی مأکول چه کسانی می دانند؟ مأکول خودشان که نمی دانند، مأکول قمی ها می دانند. ... پوست هندوانه مأکول است؟ ... تازه شدید مثل چینی ها. خب حالا اگر واقعا همین پوست گردو را که پوست گردو دیگه مأکول نیست، اگر یک مردمی بودند پوست گردو را مربا می کردند، آرد می کردند... می دانم،‌معیار چیه؟ معیار متعارف است دیگه. متعارف را باید در نظر بگیرید در ما یلبس و ما یؤکل. ... عجب انس گذشته و آلیت قمار در ملت های دیگر، این منشأ نشود که بگوید هنوز من محرز نیست برایم که دیگه عرف به شطرنج بگوید خرج من آلیة القمار، همین که شک بکنیم عرف می گوید خرج من آلیة القمار استصحاب موضوعی جاری می کنیم و امام و آقای سیستانی بعد از علم به خروج از آلیت قمار هم، باز تکرار می کنم مناسب بود استصحاب حکمی جاری می کردند و آن هایی که آن روز به امام اشکال های ناوارد گرفته بودند خوب بود اشکال می گرفتند که شما که استصحاب در شبهات حکمیه را قبول دارید شما دیگه چرا؟ این اشکال، فنی است اما برخی اشکالات دیگر فنی نبوده.

#### فرض سوم: لعب با بردوباخت مالی در غیر آلات قمار

فرض سوم لعب با بردوباخت مالی است در غیر آلات قمار. خب مثال های زیادی دارد: برداشتن وزنه های سنگین، وزنه‌برداری، کشتی‌گیری، جنگ میان گوسفندان (شاخ می زنند به هم) جنگ خروس ها، جنگ گاو ها (گاوبازی)، مسابقه بر پرش.

مرحوم شیخ انصاری فرموده که ظاهر این است که بازی با بردوباخت در غیر آلات قمار هم حرام تکلیفی است و هم باطل است و پولی که می گیرند حرام است. بعد فرموده است مرحوم بحرالعلوم در مصابیح الاحکام گفته لاخلاف فی حرمته و فساده. بعد ایشان فرموده است که درست هم گفته اند و ما هم معتقدیم بازی با بردوباخت مالی مطلقا حرام است مگر در آن موارد منصوص: اسب‌دوانی، تیراندازی و الخف و الحافر و الریش و النصل که بعدا توضیحش خواهد آمد. مرحوم شیخ شنا را استثناء نکردند؛ محل بحث است.

استدلال که کردند به عده ای از روایات استدلال شده.

البته این استدلال به قطع نظر از اجماع است ها!. چون ادعای اجماع شده در مهذب، در تنقیح، در مسالک، در تذکرة. و مرحوم شیخ می گوید و هو الحجة. اجماع در اینجا حجت است. ولی مرحوم آقای خوئی می گوید نه، این اجماع، مدرکی است، این اجماع، حجت نیست. با قطع نظر از اجماع، ادله دیگر که مرحوم شیخ ذکر می کند، این است.

س: اجماع منقول است و فوقش مدرکی است و اعتباری ندارد. صاحب جواهر هم این اجماع را نپذیرفته. گفته بعید نیست بگوییم بازی با بردوباخت به غیر آلات قمار فاسد هست، سبب ملکیت آن رهان نمی شود ولی حرام تکلیفی نیست. مرحوم شیخ می فرماید که بعض مشایخنا المعاصرین، اینجوری گفتند که باطل است ولی حرام تکلیفی نیست بازی با بردوباخت مالی در غیر آلات قمار و لکن نخیر، این درست نیست و مقتضای اجماع و ادله، حرمت تکلیفی آن است. اجماع را که عرض کردیم مدرکی است.

اما ادله دیگر:

یک دلیل ایشان این است که ایشان می گوید عرفا قمار است. قمار یعنی بردوباخت مالی. ندارد با آلات قمار و قمار حرام است.

امام قدس سره مناقشه کرده در این استدلال. فرموده است که به چه دلیل شما می گویید قمار یقینا صادق است بر بردوباخت مالی در غیر آلات قمار؟ فرموده ما جزم داریم بر خوشنویسی جایزه تعیین کنند، بر خوش‌خوانی، دو نفر می گویند هر کدام این شعر را با آواز بهتری بخواند، این جایزه مال او باشد، تند رفتن، دویدن، می گوید هر کی بتواند بدود تا مثلا نیم ساعت برسد به این مقصد این جایزه را به او می دهیم، کی عرف به این می گوید قمار؟ عرف که نمی گوید قمار. کلمات لغویین هم که مختلف است. بعضی ها مطلق لعب مع الرهان را گفتند قمار بعضی ها گفتند لعب به آلات قمار. به کلمات لغویین هم که نمی شود استدلال کرد.

این نقض امام قدس سره به مسابقه خوشنویسی و صوت و دویدن و اینها ممکن است جواب داده بشود: بعضی از اشیاء لعب نیست عرفا. ممکن است در مفهوم قمار لعب اخذ شده باشد. قمار ممکن است لعب باشد نه لعب به آلات متعارفه قمار، نه لعب به هر شیئی، با گردو بیایند بازی کنند با اینکه گردو از آلات قمار شمرده نمی شود ولی بازی است. ممکن است این دخالت داشته باشد، نشود قیاس کرد مسابقه بر خوشنویسی را به مواردی که لعب صدق می کند.

س: دویدن هم بازی نیست. بازی است؟ ... روشن نیست که اسب‌دوانی قمار است. ببینید! ما کار نداریم مرحوم شیخ چه فرمود. ما هستیم و فرمایش امام. نقضی که امام کردند فرمودند این موارد: مسابقه بر خوشنویسی، مسابقه بر دویدن، اینها قمار نیست. می گوییم شاید لعب نیست عرفا.

مشهور مثال که زدند این مثال ها وزنه‌برداری، این در کلام مرحوم شیخ و کلمات فقهاء ذکر شده، ما ذکر کردیم. اما دلیل اول شان صدق قمار بود. ما می گوییم ممکن است تفصیل بدهیم در صدق قمار لعب معتبر باشد اما نه لعب به خصوص آلات قمار؛ مطلق لعب. مطلق لعب مع الرهان قمار باشد. این احتمالش هست.

و لکن انصاف این است: همانطور که امام فرمودند واقعا صدق قمار محرز نیست بر لعب به غیر آلات قمار. شاید قمار در مفهومش اخذ شده، بازی با آلاتی که تعارف اللعب مع الرهان بها.

س: بحث صدق عرفی قمار است که دلیل اول مرحوم شیخ است که بعد تمسک کرد به اطلاقات حرمت قمار. امام به این مناقشه کردند، ما هم می گوییم و لو نقض امام را ما جواب دادیم ابتدائا که ایشان نقض کرده به مواردی که لعب صدق نمی کند و شاید فرق کند با مواردی که لعب صدق می کند و لو به غیر آلات قمار ولی در نهایت ما می پذیریم احراز نمی شود صدق قمار بر حتی لعب به غیر آلات قمار.

ان قلت که این بیان شما دوری است. چرا؟ برای اینکه می گویید آلات قمار، خب چه جور شد شطرنج شد آلات قمار؟ تعارف القمار به، پس اگر در صدق قمار شرط باشد که آنی که با او بازی می کنند آلة القمار باشد، دور می شود که. اول باید شطرنج آلة القمار باشد تا بعد بازی با او مع الرهان بشود قمار و تا بازی با او قمار نشود او آلة القمار نمی شود.

دقت می کنید اشکال چیه؟ اشکال این است: آقا! طبق این تشکیک شما که می گویید القمار هو اللعب مع الرهان بآلات القمار، خب این اخذ الشیء فی تعریف نفسه شد. مثلا شطرنج: شطرنج کی آلت قمار می شود؟ موقعی که متعارف باشد قمار با او، بعد می گویید قمار صدق نمی کند مگر با آلات قمار بازی کنیم، یعنی اول باید شطرنج آلات قمار باشد تا بازی با او بشود قمار و تا بازی با او متعارف نشود قمار او آلت قمار نمی شود.

این اشکال دور، حالا که آقا می فرمایند خوب اشکالی است پس بماند تا هفته بعد که چهارشنبه تعطیل است اما هفته بعد از آن (از سه شنبه و چهارشنبه هفته آینده تعطیل است) ان شاء الله این بحث را دنبال می کنیم بحث خیلی مهمی است و سرنوشت‌ساز است هم برای آن هایی که می خواهند پول در بیاورند هم برای دیگران.